

«شاهنامه در ترازوی تاریخ» (نگاهی به کتاب شاهنامه و پایان ساسانیان)

دکتر حامد مهرداد*

زاگرس، زند، (۱۴۰۰)، شاهنامه و پایان ساسانیان (سنجش شاهنامه با منابع تاریخی؛ از شورش بر خسرو پرویز تا مرگ یزدگرد سوم)، تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری نشر سخن، چاپ اول، ۴۵۹ صفحه، قیمت: ۱۳۵۰۰۰ تومان.

قرار گرفتن ساسانیان در یک نقطه عطف تاریخی، نقطه‌ای که تاریخ ایران را به پیش و پس از اسلام تقسیم می‌کند، پژوهش درباره آن‌ها را به یکی از موضوعات مهم در همه زمینه‌ها تبدیل کرده است. فرزندان ساسان نه تنها به دلیل ماجراجویی‌های خود، فرمانروایی بر قلمرویی گسترده، سیاستی آمیخته با دیانت، ویژگی‌های فرهنگی متمایز، و آنچه بر اشکانیان تحمیل کردند، که به سبب پایان کار غم‌انگیزشان نیز همواره توجه مورخان را و البته آنان که دغدغه فلسفه تاریخ دارند، به خود جلب کرده‌اند. توأمان بودن فرجام ساسانیان با پایان شاهنامه، «آخر شاهنامه» را نیز به ماجرای دراماتیک بدل کرده است.

پیش‌تر، کسانی کوشیده بودند از ورای این روایت غم‌انگیز شاعرانه، از فراز این «کاخ بلند هزارساله»، در پس «مازهای راز» اسطوره و آن‌سوی دژهای استوار حماسه چشم‌درچشم تاریخ شوند، تاریخ را از دل حماسه بیرون بکشند و آن را با محک استاد و استدلال بسنجند. در مقابل نیز، همیشه کسانی بوده‌اند که تنها در برابر ادبیت شاهنامه کلاه از سر بردارند. حالا اما، زاگرس زند، شاهنامه و پایان ساسانیان را منتشر کرده و بر آن است که اساطیر و پهلوانان فرانسائی، شگفتی‌ها و بزرگ‌نمایی‌ها «نمی‌توانند ستیز و تناقضی با تاریخی بودن و معتبر بودن متن داشته باشند».

انتشار شاهنامه و پایان ساسانیان از چند دیدگاه دارای اهمیت است. نخست اینکه هنوز و همچنان بحث بر سر این ادامه دارد که شاهنامه سندی تاریخی هم هست یا نه. نمونه را، درباره تاریخ بیتهقی همه

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی؛ دانشگاه فردوسی مشهد (Hamedmehrad65@gmail.com)

بی‌گمانند که هم به‌عنوان اثر ادبی در اوج است هم در جایگاه منبع تاریخی در قله بی‌طرفی و انصاف ایستاده است، اما این موضوع درباره شاهنامه چنین است که تردیدی وجود ندارد که این اثر یک شاهکار ادبی است، ولی اینکه آیا می‌شود درباره رویدادهای تاریخی هم به آن استناد کرد، گفت‌وگو همچنان میان موافقان و مخالفان ادامه دارد؛ به‌ویژه درباره بخش موسوم به تاریخی آن و روزگار ساسانیان؛ دوم اینکه بدون تعارف و بی‌پرده، خوانندگان شاهنامه، کمتر سراغ بخش تاریخی آن می‌روند و بیشتر به رویدادهای اساطیری و پهلوانی آن علاقه‌مندند؛ در نتیجه کمتر به دقایق و ظرایف بخش تاریخی شاهنامه توجه کرده‌اند؛ و سوم اینکه دانش‌آموختگان ادبیات، کمتر تاریخ می‌خوانند و می‌دانند؛ - این چیزی است که نویسنده کتاب در مقدمه بر آن تأکید کرده است - و از سوی دیگر، دانش‌آموختگان تاریخ هم کمتر به ظرافت‌های زبانی و ادبی اشراف دارند، - و این چیزی است که من بر آن مقدمه اضافه می‌کنم - اما درباره این کتاب؛ آن را کسی نوشته که هم دانش‌آموخته دکترای تاریخ است، هم سال‌هاست که با شاهنامه انس و الفتی دارد و آموزگار آن است. چنان‌که انجمن دوست‌داران شاهنامه البرز، مدت‌هاست از حضور او بهره‌مند است.

زاگرس زند متولد خردادماه ۱۳۵۶ در کرمانشاه است. در دبیرستان علوم تجربی خوانده و در سال ۱۳۷۴ وارد دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی شده است. او سال ۱۳۸۵ کارشناسی ارشد ایران‌شناسی را در بنیاد ایران‌شناسی (شهید بهشتی) آغاز کرد و در سال ۱۳۸۸ با دفاع از پایان‌نامه‌ای در حوزه سنجش ایران‌شناسی با شرق‌شناسی، آن دوره را با رتبه نخست به پایان رساند. پس از آن، زند در سال ۱۳۹۱ دوره دکترای تاریخ ایران باستان را در دانشگاه تهران آغاز کرد و سال ۱۳۹۷ از رساله خود درباره پایان ساسانیان در شاهنامه (با مشاوره جلال خالقی مطلق) دفاع کرد و با رتبه نخست فارغ‌التحصیل شد و هم‌اکنون مدرس دانشگاه امام‌خمینی قزوین است. ایشان از سال ۱۳۸۸ مشغول تدریس شاهنامه، اسطوره‌شناسی و ایران‌شناسی و برگزاری نشست‌های هفتگی شاهنامه‌خوانی در کرج (انجمن دوست‌داران شاهنامه البرز) است و تاکنون حدود ۴۰ عنوان مقاله در حوزه‌های ایران‌شناسی، تاریخ ایران باستان و شاهنامه‌شناسی در مجلات علمی - پژوهشی، همایش‌های ملی و بین‌المللی، دانش‌نامه‌ها و جشن‌نامه‌ها منتشر کرده است.

زاگرس زند شاهنامه و پایان ساسانیان را که حاصل رساله دکترای اوست، به جلال خالقی مطلق و علیرضا شاپور شهبازی «دو ایران‌شناس و شاهنامه‌شناس بی‌همتای که جایگاه شاهنامه در پژوهش‌های ساسانی‌شناسی و ایران باستان را به‌درستی نشان دادند» و به یاد ژول مول، تئودور نولدکه و آرتور کریستین سن «سه ایران‌شناس بزرگ که پیش از دیگران به ارزش شاهنامه برای پژوهش‌های ایران‌شناسی پی بردند» تقدیم کرده است.



کتاب با پیشگفتار و یادداشت جلال خالقی مطلق آغاز می‌شود؛ جایی که توضیح می‌دهد «با وجود اختلافاتی که میان دست‌نویس‌های متعدد *خداوند نام* در برخی جزئیات بوده، تفاوت اصلی مطالب *تاریخ‌الرسول* با *شاهنامه* کمتر در اختلاف اخبار منابع آن‌ها، بلکه بیشتر در شیوه بهره‌گیری مؤلفان آن‌هاست. بدین معنی که فردوسی اگرچه مطالب مأخذ خود را در لفظ می‌آراید و می‌پروراند ولی چیزی از جزئیات غیرتاریخی آن نمی‌زند. درحالی که طبری تنها به نقل مطالبی که تاریخی‌اند، بسنده می‌کند». زند نیز پس از آن، در مقدمه خود بر کتاب، بر این باور تأکید می‌کند که «بسیاری از جزئیات رخداده‌ها، نام کسان و جای‌نام‌ها و دیگر داده‌های تاریخی و جغرافیایی دوره ساسانی را در *شاهنامه* می‌توان یافت و بررسیید. همچنین *شاهنامه* برای تبارشناسی شاهان ساسانی و تکمیل شناخت ساسانی‌شناسان از سویه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوره، منبع ارزشمندی است». نویسنده همچنین در مقدمه، منابع سنجش خود را در دو دسته داخلی (متون تاریخ‌نگارانی مانند: یعقوبی، دینوری، حمزه اصفهانی، طبری، مسعودی، بلعمی، مسکویه، بیرونی و گردیزی) و خارجی (*تاریخ ارمنستان* سبئوس، *رویدادنامه* تئوفانس، *رویدادنامه* پاسکاله، *رویدادنامه* خوزستان، *تاریخ نسطوریان* یا *سيعرت* و *تاریخ‌المجموع* ابن بطریق) معرفی می‌کند تا در ده فصل به بررسی و مقایسه روایت آن‌ها با روایت *شاهنامه* فردوسی از هفت پادشاه پایانی ساسانیان بپردازد.

فصل نخست کتاب را که به‌عنوان پیشینه پژوهش آن هم است، می‌توان فهرست توصیفی مختصر و فشرده پژوهش‌های شاهنامه‌شناسی و ساسانی‌شناسی نیز قلمداد کرد. این فصل به چهار بخش: شاهنامه فردوسی، تاریخ‌های عربی-فارسی سده‌های نخستین اسلامی، پژوهش‌های ساسانی‌شناسی از شیرویه تا پایان دوره ساسانی و تاریخ‌نگاری ایرانی تقسیم شده است. فصل دوم، به معرفی و بررسی منابع تاریخی برگزیده، اعم از داخلی (عربی و فارسی) و خارجی (ارمنی، سریانی، بیزانسی و مسیحی)، به‌ویژه بررسی میزان تمرکز آن‌ها بر دوره ساسانیان اختصاص دارد.

فصل سوم تا نهم، پیکره اصلی کتاب است و به ترتیب به پادشاهی شیرویه، اردشیر سوم، فرابین (شهربراز)، بوران، آزرمی‌دخت، فرخ‌زاد و یزدگرد سوم می‌پردازد. هر فصل با «خلاصه روایت» پادشاهی مذکور آغاز می‌شود و سپس با «بحث و سنجش» ادامه می‌یابد. فصل دهم، مهم‌ترین نتایج پژوهش را در خود جای داده تا نشان دهد «شاهنامه» بیش از آنچه تا کنون گمان می‌شده، می‌تواند به‌عنوان یک منبع ارزشمند تاریخی برای پژوهش‌های ساسانی‌شناسی در بخش پادشاهی شیرویه تا فروپاشی ساسانیان به کار گرفته شود.

نویسنده در سخن پایانی، ضمن برشمردن ارزش‌های تاریخی شاهنامه در دوره ساسانیان، بر آن است که «روایت فردوسی در این دوران، بسیار تاریخی و مستند است. در این دوره داده‌های تاریخی بسیار مهمی در شاهنامه ثبت شده که بیشتر آن‌ها در سنجش با دیگر منابع (داخلی و خارجی) تأیید می‌شوند و برخی از آن‌ها از دیگر منابع، دقیق‌تر و درست‌تر هستند. این داده‌های معتبر گاه در جغرافیای تاریخی و جای‌نام‌شناسی و زمانی در باستان‌شناسی و نام‌تبارشناسی به کار می‌آیند. گاه داده‌هایی فقط در شاهنامه وجود دارند که با شواهد و اسناد موجود یا با استدلال تاریخی قابل رد یا انکار نیستند و منطقی است که آن‌ها را به‌عنوان سندی محتمل بپذیریم. برخی تفاوت‌ها میان شاهنامه و دیگر منابع به تفاوت میان رونوشت‌های (تحریرهای) *خدای‌نامه* می‌رسد و از این دید، روایت فردوسی برای سنجش انواع *خدای‌نامه‌ها* و بازسازی آن‌ها بسیار راهگشا و کلیدی است؛ همچنین در برخی بخش‌ها، به‌ویژه پادشاهی بوران و آزرمی‌دخت، کمبود و کاستی چشم‌گیری در روایت فردوسی وجود دارد».

اینکه فرضیه نویسنده و روش اثبات آن در این کتاب، تا چه میزان مقبول نظر منتقدان و صاحب‌نظران افتد، نیازمند گذر زمان و اظهار نظر آنان است. با این حال، در نگاه نخست و هنگام خواندن اولیه کتاب، به نظر می‌رسد بازنگری نویسنده در برخی بخش‌ها خالی از فایده نیست؛ اصلاح برخی لغزش‌های نگارشی و ویرایشی، تجدید نظر در به‌کارگیری اصطلاحات به‌جای یکدیگر و همچنین برخی جایگزین‌های فارسی دور از ذهن برای واژه‌های رایج، حذف پاراگراف‌های تکراری، ترتیب و عناوین فصل‌ها و اشاره به برخی رویدادهای مهم تاریخی از این جمله‌اند. ناگفته پیداست، این موارد و مواردی از این دست از ارزش اصلی کتاب نخواهد کاست، بلکه هر اثری که به‌گونه نقد آراسته شود، ارزشش دوچندان خواهد شد.